

با ما در ارتباط باشید

info@shahrara.com رایانامه
۰۳۰۰۰۷۲۸۹ پیامک
۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰ پیام رسان
۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵ تلفن

شهرداری

شهروند! در عبدالمطلب ۱۵ یاس ۱۱ کارکنان شرکت‌های خدمت‌رسان پس از انجام فعالیت‌های خود، کوچه را به همان صورت رها کرده‌اند و هنوز آسفالت نشده است. آیا در تمام خیابان‌های شهر، وضعیت به همین مثال است؟

موسسات مالی و اعتباری

شهروند! آقایان! شرکت پردیسبان را فراموش نکنید. سهام‌داران زیادی در خراسان دارد. قاسمی **شهروند**! شکر خدا هزینه پیامک بانک‌ها هم شد ۱۵ هزار تومان. هزینه تعویض کارت بانکی هم که جداگانه دریافت می‌شود. آن وقت این مبلغی که ته کارت‌ها می‌ماند و برداشت‌پذیر نیست، برای چیست؟

سازمان تاکسی‌رانی

شهروند! چرا هیچ کس به وضع بد تاکسی‌رانان توجه نمی‌کند؟ هزینه‌های ماشین چندبرابر شده است ولی درآمدی نیست.

شهروند! تو را به قرآن، فکری برای تاکسی‌های ون بکنید؛ نزدیک به سه ماه است که بیکاریم.

شهروند! تاکسی‌رانی مشهد مگر دلال بازار است که از خریدار تاکسی، ۴/۵ درصد کمیسیون می‌گیرد؟ روی چه حسابی و با چه خدمتانی این پول را می‌گیرند؟ پول دفتر چه و پروانه بهره‌برداری را که هر سال جداگانه می‌گیرند.

شهروند! اپراتور تاکسی‌های اینترنتی برای صدور برگه سفر، دقت کافی ندارد. اکثر اوقات برای یک نام چند آدرس وجود دارد. مسیر پیشنهادی سیستم هم با مسیر طی شده توسط راننده فرق می‌کند. از طرفی هزینه‌ها چندبرابر شده است و مسافر خیلی کم، قطوری شکم‌مان را سیر کنیم؟ تاکسی فرودگاه از صبح تا شب، یکسره کار کند، ۱۰۰ هزار تومان دخل ندارد. تعداد سرویس‌ها به زور به پنج عدد می‌رسد، وای به حال همکاران داخل شهر! رضایی

سازمان ترافیک

شهروند! میدان جوان به‌سمت بولوار شهیدفکوری، در ابتدای بولوار سرعت‌گیری نصب شده که نه ورودی ماشین است و نه بریدیگی، فقط باعث تصادف است. لطفاً برادریدش.

شرکت آب‌وفاضلاب

شهروند می‌خواهم از شرکت آب‌وفاضلاب گله کنم که بیشتر از دو هفته است حاشیه بولوار کلانتری را برای لوله‌گذاری کنده است و برای تعمیر خرابی جلو در منازل، جدیدی نشان نمی‌دهد. چند روزی یک کارگر به‌آهستگی موزاییک‌ها را چید و خاک مازادش را هم مقابل پارکینگ خانه انبار کرد. با شرکت هم تماس گرفتم اما اهمیت نمی‌دهند. چرا یک کار دوازده باید دو هفته طول بکشد؟ شهریان

بنیاد شهید

شهروند | بنده جانباز هشتم و چند سال پیش ازدواج کردم. از هدیه ازدواج خبر نداشتم. یک سال بعد که باخبر شدم، مراجعه کردم ولی گفتند دیر آمده‌ای. مگر هدیه دادن دیر یا زود دارد؟ این بی‌انصافی است. ایمانی

مخابرات

۰۵۳۳...۰۹۱۵ | شرکت ایرانسل مشهد برخلاف قانون، برگه رسید تعویض کارت ملی را برای احراز هویت قبول ندارد. دفتر خدمات ایرانسل، حداقل استقلال ۲ و ۴ با بیان اینکه رسید کارت ملی و شناسنامه‌های قدیمی بی‌اعتبار است، خدمتی نمی‌دهد.

شهروند! بیش از سه ماه از در دیدن باکس مخابرات دم در شهرک شهیدرجایی(شهید غلامی ۶) خانه ما می‌گذرد. هر بار رنگ زردیم مخابرات، گفتند در نوبت هستید. هنوز نوبت ما نشده است؟

گرانی

شهروند! چه کسانی بر دستمزد نقاشان ساختمانی نظارت می‌کنند؟ نقاشی برای رنگ پلاستیک یک هال، یک خواب و یک آشپزخانه، آن هم در روستای کشف، یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان گرفت. دو نصفه‌روز کار کرد و یک سطل رنگ هم بیشتر مصرف نکرد.

روزنامه شهرامید وزندگی

اشنبه ۱۳۹۹ خرداد ۲۹ شمسه ۲۳۱۳

۰۴

↓

جامعه

کرونا تفریح را بلعید؟

شیوع کووید ۱۹ وبسته شدن اجباری اماکن تفریحی بیش ازپیش ثابت کرد که

خانواده‌های مشهدی همچنان با مشکل برنامه‌ریزی و آموزش در حوزه فراغت روبه‌رو هستند

تکنم جاوید	
t.javid@shahraranews.ir	
 	
درست به‌همان اندازه که سرانه کار مفید کارمندانمان پایین است، همان اندازه هم در فراغت و تفریح نابلد و گیج هستیم. آن قدر در ستایش کار و برنامه‌ریزی برایمان سخن گفته‌اند که فراموش کرده‌ایم یاد بگیریم چگونه تفریح کنیم و از سویی همین اصرار به کار و تلاش هم باعث شده است که چندان به دل کار ندهیم و اساسا بخشی از تفریحمان را در همان محل کار خلاصه کنیم. اما اکنون بحث بیشتر بر سر نابلدی ما در تفریح و فراغت است. ما در تعریف فراغت دچار مشکل هستیم و همین مشکل باعث شده است که مرز باریک فراغت و بطالت چندان برایمان روشن نباشد. کرونا باعث شد که ما از فعالیت‌های روزمره و عادی آن قدر دور بیفتیم	

● پارک محل پاتوق خیلی‌هاست مهری صادر دوقلوهاست و تفریح برایش خلاصه می‌شود در پارک سر کوچه و در توضیح رفت‌وآمدهایشان می‌گویند: به‌محض اینکه هوا کمی گرم می‌شود، هر روز عصر دست بچه‌هایم را می‌گیرم و تا پارک نزدیک خانه می‌برم. اغلب فرش و بساط چای و غذا را هم می‌برم و تا آخر شب همان جا می‌مانیم. من و خانم‌های همسایه مشغول حرف زدن می‌شویم و بچه‌ها یک دل سیر بازی می‌کنند.

از حرف‌هایش پیداست که در روزهای شیوع کرونا و خانه ماندن، خیلی سختی کشیده است. ادامه می‌دهد: در این چندماه از خانه ماندن و نگاه‌داشتن دو پسر بچه شیطان به ستوه آمده بودیم؛ برای همین از اول خرداد بچه‌ها را آوردم پارک؛ هر چند که کاملا باز نشده بود. همین پارک برای ما که هزینه تفریحات آن چنانی نداریم، غنیمت است.

اسدی شغل آزاد دارد و همسرش بازنشسته دانشگاه است. آن‌ها را در حال دویدن در پارک ملت می‌بینیم. خانه‌شان داخل

یکی از کوچه‌های روبه‌روی پارک است و خودشان مشتری دائمی پارک هستند. با اینکه مشکلی از نظر هزینه‌های سفر و تفریحات گران ندارند، او معتقد است: تورم و قیمت‌ها بر انتخاب نوع تفریح، اثر صددرصدی می‌گذارد. برای من هم که رفاه نسبی دارم، افزایش قیمت بلیت هواپیما یا تور، مهم است. این روزها اگر کسی برسد بین سفر خارج از کشور و شهرهای شمالی ایران کدام را انتخاب می‌کنم، نظرم گزینه دوم است.

البته این را هم قبول دارد که برای خیلی‌ها تفریح و گردش، چندان معنایی ندارد و به زندگی روزمره عادت کرده‌اند و به عنوان مثال همین یک روز تعطیل آخر هفته، در خانه ماندن جلوی تلویزیون را نوعی تفریح و سرگرمی حساب می‌کنند.

● بدون تفریح، جزو غمگین‌ترین‌ها هستیم سال گذشته فهرستی بر روی سایت ایرنا منتشر شد که مربوط به چگونگی وقت گذراندن ایرانی‌ها در طول ۲۴ ساعت شبانه‌روز بود؛ البته چند سال قبل نیز یک موسسه کانادایی، تحقیق مشابهی را به



مردم سرگرم می‌کنم.

مسعود و هادی، کارمندان یک شرکت ساختمانی‌اند. آن‌ها به بازی‌های جدید علاقه دارند و تفریحشان این است که با دوستانشان جمعه‌ها به کار تینگ، بانچی جامپینگ و اتاق فرار سر بزنند. مسعود می‌گوید که در ورزش کردن هیچ نقطه اشتراکی با خانواده‌اش ندارد و همه تفریحات را با دوستانشان انجام می‌دهد و این گونه توضیح می‌دهد که والدین من تفریح را فقط در دیدوبازدید فامیل می‌دانند و «رفتن به شهر بازی و مکان‌هایی مانند آن»، برایشان پول حرام کردن است. هادی هم باوجودی که خانواده همراه‌تری دارد، ترجیح می‌دهد با دوستانش وقت بگذرانند. او می‌گوید: تفریح کردن فقط با گروه دوستان، لذت‌بخش است

در دست نیست اما همین که قرنطینه خانگی، خیلی‌ها را در حد دل‌تنگ شدن برای رستوران آزار داد، معلوم است که هیچ برنامه‌ای برای روزهای تفریح و تعطیل خود ندارند.

● بازهم در خانه می‌مانیم

مصطفوی، تعمیر کار لوازم گازی است و در مدت شیوع کرونا یا اصلا کار نکرده است یا مشتری اندکی داشته و بیشتر اوقات را در خانه گذرانده است. وی که در حال تعمیر یک قطعه کپچج است، می‌گوید: ما قبل از کرونا هم اهل تفریح خاصی نبودیم. فووش شب‌ها می‌رفتیم رستوران و سرگرمی‌مان این بود که به خانه فامیل سر بزنیم. اگر باز کرونا شیوع بیشتری پیدا کند و قرنطینه شویم، در خانه می‌مانیم و خودم را با تعمیر وسایل



پردیسی که پرید

۱۸۰۰ کارمند و استاد دانشگاه فردوسی بعد از ۲۸ سال همچنان بلاتکلیف زمینی هستند که پولش را داده‌اند

تعویق می‌اندازند. این استاد بازنشسته دانشگاه فردوسی به‌دلیل جایگاه علمی‌اش، تمایلی به ذکر نامش ندارد اما صدها نمونه نامه، درخواست و سند پیگیری را نشانمان می‌دهد که برای گرفتن حقشان در طول سال‌های گذشته، آن‌ها را به دستگاه‌های اجرایی و مقامات مختلف استانی و کشوری ارائه کرده‌اند.

به گفته او، اراضی‌ای که در مالکیت دانشگاه فردوسی بوده است و سهام‌داران آن کارمندان و استادان این دانشگاه بوده‌اند، به‌طور غیرقانونی در دهه ۷۰ صرف می‌شود و پس از آن با وجود پیگیری‌های قضایی و اداری، این مشکل هنوز رفع نشده است. در دهه ۸۰ وکیل سهام‌داران اراضی شاندیز موفق می‌شود در دادگاه به نفع آن‌ها حکم اولیه را بگیرد و بتواند اسناد شرکتی را که متصرف غیرقانونی این اراضی بوده‌است، باطل کند، اما به‌طرز عجیبی در جلسات بعدی دادگاه، خبری از حضور این وکیل نمی‌شود و پیگیری پرونده در دادگاه‌های بعدی و دادگاه تجدیدنظر به نتیجه‌ای نمی‌رسد. استاد بازنشسته دانشگاه فردوسی حتی از ماجرای در دیده شدن ناگهانی نگهبان این اراضی هم سخن به‌میان می‌آورد که به گفته او، همه ماجرا‌ها در کنار هم گویای قدرت دست‌های پنهان این پرونده هستند، وگرنه چرا باید همه مراجع رسمی به‌ما بگویند که حق شما قانونی است و شرکتی که صاحب اراضی شاندیز شده است، کارش غیرقانونی است اما در نهایت یک وجب از آن زمین، دست ما را نگیرد و در مقابل همان صاحبان غیرقانونی، ساخت‌وسازهایشان را در این اراضی ادامه دهند؟

● بلاتکلیفی سهام‌داران دانشگاه فردوسی

در آن طرف ماجرا کرسی ریاست بر دانشگاه فردوسی از این رئیس به آن رئیس بارها چرخیده و در دوره، وعده‌هایی برای پیگیری این موضوع به سهام‌داران داده شده است که هیچ کدام به سرانجام نرسیده‌اند. حالا خریداران این اراضی، خسته از برگزاری تجمع، نامه‌نگاری و پیگیری از دستگاه‌های مختلف اجرایی برای رسیدن به حق قانونی خود، چشم‌انتظار تدبیر مسئولان مانده‌اند. شاید اگر سایه کرونا نبود، همچنان قرار هر شنبه آن‌ها و برگزاری تجمع‌های بی‌دری‌شان ادامه می‌یافت؛ حرفی که یکی از سهام‌داران بر آن تأکید می‌کند و به ما می‌گوید: مسئولان فقط برای خودشان وقت می‌خرند و از این جلسه به آن جلسه، خواسته ما به کارکنان و استادان بازنشسته دانشگاه فردوسی را به

● به‌مرگ می‌گیرند تا به تب‌راضی شویم به‌دنبال صحبت‌های این استاد بازنشسته دانشگاه فردوسی، با چند سهام‌دار دیگر نیز به گفت‌وگو می‌نشینیم. حرف دل همه آن‌ها یکی است؛ اینکه بعد از یک عمر گنج خوردن پای تخته و دریافت یک حقوق